

رویداد

استعفای زلمی خلیل‌زاد

● وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه ایالات متحده در امور افغانستان تصمیم گرفته از سمت خود استعفا دهد و «تام وست»، معاون خلیل‌زاد وظایفش را بر عهده خواهد گرفت. آنتونی بلینکن با اشاره به پایان حضور خلیل‌زاد در سمت فرستاده ویژه آمریکا گفت: «من از او به خاطر ده‌ها سال خدمتی که به مردم آمریکا کرده است، تشکر می‌کنم». بلینکن تأکید کرد که تام وست، معاون خلیل‌زاد که پیش از این در دوران فعالیت جو بایدن به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور در دولت بارک اوباما، در تیم امنیت ملی کاخ سفید فعالیت می‌کرد، به‌عنوان نماینده جدید ایالات متحده در افغانستان خدمت می‌کند. خلیل‌زاد متولد افغانستان، در نامه استعفای خود از سابقه‌اش دفاع و در عین حال اذعان کرد که در آخرین مسئولیت خود نتوانسته است آنچه را که می‌خواسته به دست بیاورد. او در نامه خود به آنتونی بلینکن نوشت: «مناسبات سیاسی بین دولت افغانستان و طالبان آن‌طور که پیش‌بینی شده بود، جلو نرفت. دلایل این امر بسیار پیچیده است و من نظرات خودم را در روزها و هفته‌های آتی با شما در میان خواهم گذاشت». خلیل‌زاد قبلاً در مصاحبه‌ای با الجزیره اعلام کرده بود که قصد دارد این سمت را ترک کند. استعفای خلیل‌زاد در فاصله کمتر از دو ماه پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان صورت می‌گیرد. زلمی خلیل‌زاد برای سه سال به‌عنوان نماینده ویژه ایالات متحده در امور افغانستان مسئولیت مذاکرات واشنگتن با طالبان را بر عهده داشت و در گفت‌وگوهای صلح با این گروه شبه‌نظامی نقشی کلیدی ایفا کرد؛ اما کمتر از دو ماه قبل با پیشروی سریع نیروهای طالبان در سراسر افغانستان و تصرف کابل، دولت مورد حمایت ایالات متحده سقوط کرد. مقامات آمریکایی گفتند این دیپلمات که‌نکار آمریکایی از اهرم قدرت برای گروه طالبان صرف‌نظر کرد، به‌طور مداوم دولت افغانستان را تضعیف کرد و علاقه چندانی به شنیدن دیدگاه‌های مختلف در داخل دولت آمریکا نداشت. مقامات کنونی و سابق ایالات متحده به رویترز گفته‌اند از آنجا که زلمی خلیل‌زاد برای مدت سه سال مسئولیت مذاکره با طالبان را بر عهده داشته، به نماد بزرگ‌ترین شکست دیپلماتیک ایالات متحده در سال‌های اخیر تبدیل شده است.

ادامه از صفحه اول

میزبان را از خود برنجانند و در جذب ارامنه نیز منافعی نداشتند. از سوی دیگر در آن تاریخ عثمانی بازنده جنگ اول جهانی بود و آنچه قرار بود برای آینده عثمانی رقم بخورد «معاهده سور» بود. طبق معاهده سور قرار بر این بود که در شرق ترکیه به‌عنوان «ارمنستان غربی» سرزمین‌های بزرگی برای تأسیس یک دولت مستقل به ارامنه اختصاص

یابد؛ بنابراین از نظر بریتانیا قلمرو اصلی ارامنه در شرق عثمانی محفوظ می‌ماند و قره‌باغ اهمیت چندانی در برابر واگذاری آن محدود پیدا نمی‌کرد. دلیل سوم قریب‌کاری همیشگی بریتانیایی‌ها در قبال جمعیت اسلامی مستعمرات بود. بریتانیا در نظر داشت این سیاست را به‌عنوان نقطه قوت خود به این اجتماعات عرضه کند. البته اتحاد «مصطفی کمال» با لنین و استالین و پیروزی او در جنگ‌های استقلال این معادله

رونمایی وزارت دارایی آمریکا از تجدیدنظر در مهم‌ترین ابزار تأمین منافع واشنگتن

چهره جدید «تحریم» در دولت بایدن



به نوشته رویترز، مقام‌های وزارت دارایی وعده داده‌اند فرایند تحریم‌ها سخت‌گیرانه‌تر خواهد شد. همچنین این ابزار در چارچوب جدید که در پی اعمال تحریم‌ها بر مبنای اهداف روشن، هماهنگی چندجانبه و کاهش آثار بشردوستانه تحریم‌هاست، نوسازی خواهد شد. بر اساس این توصیه‌ها، برای مقابله با تهدید ازراهی دیجیتال، وزارت دارایی آمریکا باید در ایجاد توانمندی‌های فناوریانه و نیروی کار جدید سرمایه‌گذاری کند. در بخشی از بیانیه «والی آدیوم»، معاون وزیر دارایی آمریکا که بر نظام تحریم‌ها نظارت می‌کند، آمده است: «تحریم‌ها یک ابزار اساسی برای پیشبرد منافع امنیت ملی ماست. بازبینی تحریم‌های وزارت دارایی نشان داد این ابزار قدرتمند همچنان ثمربخش بوده‌ولی با چالش‌های جدیدی نیز روبه‌رو است. ما متعهدیم که با شرکا و متحدان خود برای نوسازی و تقویت این ابزار حیاتی همکاری کنیم».

باید در حالی که بسیاری از تحریم‌های ترامپ را حفظ کرده، تغییراتی را نیز در برخی از آنها ایجاد کرده است. رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا تحریم‌های ترامپ علیه مقام‌های دیوان بین‌المللی کیفری را لغو و با

تحلیلی بر تغییر «روز استقلال» در همسایه شمالی

یابد؛ بنابراین از نظر بریتانیا قلمرو اصلی ارامنه در شرق عثمانی محفوظ می‌ماند و قره‌باغ اهمیت چندانی در برابر واگذاری آن محدود پیدا نمی‌کرد. دلیل سوم قریب‌کاری همیشگی بریتانیایی‌ها در قبال جمعیت اسلامی مستعمرات بود. بریتانیا در نظر داشت این سیاست را به‌عنوان نقطه قوت خود به این اجتماعات عرضه کند. البته اتحاد «مصطفی کمال» با لنین و استالین و پیروزی او در جنگ‌های استقلال این معادله

یاد؛ بنابراین از نظر بریتانیا قلمرو اصلی ارامنه در شرق عثمانی محفوظ می‌ماند و قره‌باغ اهمیت چندانی در برابر واگذاری آن محدود پیدا نمی‌کرد. دلیل سوم قریب‌کاری همیشگی بریتانیایی‌ها در قبال جمعیت اسلامی مستعمرات بود. بریتانیا در نظر داشت این سیاست را به‌عنوان نقطه قوت خود به این اجتماعات عرضه کند. البته اتحاد «مصطفی کمال» با لنین و استالین و پیروزی او در جنگ‌های استقلال این معادله

۶- سوبه ژئوپلیتیکی دیگر در تغییر تاریخ استقلال ملی به کنترل نیمه‌دست سرزمین سیونیک یا زنگزور باز می‌گردد، در دوره کوتاه تنبیه مسلمات، سرزمین زنگزور یا سیونیک برای مدتی توسط مساوات‌ها تصرف شد که البته طی رقابت نظامی از کنترل ارامنه خارج شده بود. بعدها استالین در تقسیمات اداری منطقه رأساً مداخله کرد در نتیجه زنگزور به ارامنه و قره‌باغ به جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی واگذار شد. الهام علی‌اف با ارجاع به نقشه سیاسی دوران حکومت مساوات به طور ضمنی این پیام را می‌دهد که سرزمین زنگزور یا سیونیک در زمان استقلال متعلق به جمهوری خلق آذربایجان بوده و اکنون که این حکومت نقطه عزیمت استقلال کشور تلقی می‌شود نمی‌توان از زنگزور عزل نظر کرد. این سیاست به معنای آماده‌سازی افکار عمومی داخل برای جنگی دیگر در آینده است. یعنی در آینده آرمان کنترل زنگزور (سیونیک) جای آرمان کنترل قره‌باغ را خواهد گرفت. ادعاهای فزاینده قلمروخواهانه و زیاده‌خواهی در امتداد مرزهای تثبیت‌شده سیاسی آفت این منطقه است.

تا یک سال قبل ارامنه علاوه بر تمام قره‌باغ و ولایت‌های اطراف، استان شائونمیان را نیز مطالبه می‌کردند. اکنون باری برعکس شده و باکو علاوه بر قره‌باغ، زنگزور را نیز مطالبه می‌کند. قلمروخواهی‌های بی‌پایان، تلاش برای ایجاد سرزمین‌های حایل و سپر در دو سوی این ماجرا، منطقه را به آتش جنگ گرفتار کرده است. ۷- ناسیونالیسم افراطی و بلوغ‌ناافته ویژگی کشورهایی جوان است. اما هنگامی که وندالیسم نیز جاشویی آن شود، شاهد پیرسزدن زوانه کورالیسم رئیس‌جمهور در نوار مرزی و حماسه‌سرایي برای بقیه خواهیم بود. علی‌اف اردوغان هر دو از احیای مرزهای تاریخی سخن می‌گویند، اما اگر قدیم اصالت داشته باشد به طریق اولی «قدیمی‌تر» اصالت بیشتری خواهد یافت. اما عزیمت به قدیم و قدیم‌تر به نفع آنها نیست. زیرا هرچه بیشتر به گذشته برگردیم کمتر ردیابی از آن قلمرویی را خواهیم دید که مطلوب اردوغان و علی‌اف است. اگر مبنای مالکیت تاریخی را سبق تصرف بدانیم -که در «حقوق ثبت املاک» چنین است -کمتر نشانه‌ای از تثبیت حاکمیت تاریخی دولت‌هایی به نام ترکیه و جمهوری آذربایجان در این منطقه خواهیم دید. حتی در معاهده گلستان و ترکمانچای نیز نامی از ماهیت سیاسی به نام آذربایجان برای اطلاق به ۱۷ شهر قفقاز و ولایت‌های دیگر نیست. بنابراین آنچه اردوغان و علی‌اف پیش می‌برند با مزاج زمانه سازگار نیست و هرچه می‌گذرد کمتر می‌توان رنگی از ملی‌گرایی سرزمینی در آن دید. جهان امروز در عصر دولت- ملت و اصالت مرزهای ملی به سر می‌برد. کشورهایی که در چارچوب دولت- ملت و مرزهای ملی به سیاست می‌نگرند نه مطالبه خاک دارند و اجازه مناقشه و بحث در مورد تعامیت سرزمینی خود را در دیگران می‌دهد. ترکیه فعلاً از پارادایم دولت ملی عبور کرده و وارد پارادایم امپراتوری‌گرایی شده. نخستین قربانی مهم این تغییر پارادایمی نیز پیش از سوریه و عراق، قلمرو جمهوری آذربایجان است. اگرچه در سوریه و عراق رشته

وجود فشار قانون‌گذاران جمهوری خواه، جلوی تحریم اهداف اروپایی مشارکت‌کننده در ساخت خط لوله گاز نورد استریم ۲ را گرفت. وزارت دارایی آمریکا همچنین در بیانیه‌ای دیگر تأکید کرده که تمهیدات بیشتری برای کمک به صنعت ارزهای مجازی جهت جلوگیری از سوءاستفاده افراد و نهادهای تحریم‌شده و دیگر عوامل غیرقانونی اعلام کرده و این اقدامات بخشی از تلاش متمرکز و یکپارچه دولت جو بایدن برای مقابله با تهدید باج‌افزار است. بخش خصوصی با اعمال تحریم‌های مناسب و مبارزه با پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم برای جلوگیری از سوءاستفاده افراد تحریم‌شده و دیگر بازیگران غیرقانونی از ارزهای دیجیتالی و تضعیف سیاست خارجی آمریکا و منافع امنیت ملی، نقش کلیدی ایفا می‌کند. الزامات تابعیت از تحریم‌ها در صنعت ارزهای دیجیتال مانند مؤسسات مالی سنتی اعمال می‌شود و برای عدم رعایت آنها مجازات‌های مدنی و کیفری در نظر گرفته شده است. دستورالعمل‌های صادرشده امروز، نمایی کلی از الزامات تحریم‌ها و نمونه‌هایی از بهترین شیوه‌های انطباق برای فعالان این زمینه ازجمله شرکت‌های فناوری، صرافی‌ها، مدیران، استخراج‌کنندگان و ارائه‌دهندگان کیف پول دیجیتالی و همچنین مؤسسات مالی سنتی‌تر که ممکن است با رمزارزها سروکار داشته باشند، ارائه می‌دهد. وزارت دارایی آمریکا تأکید کرده که تحریم کماکان بخش مهمی از سیاست خارجی این کشور باقی خواهد ماند، اما باید با سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین آن را مدرنیزه کرد و با هماهنگی بیشتر با متحدان به آن قدرت بیشتری بخشید. گزارش جدید وزارت دارایی آمریکا نشان داد در شش ماه نخست سال ۲۰۲۱ قربانیان حملات سایبری مجبور به پرداخت ۵۹ میلیون دلار باج به هرکرا شده‌اند.

پیش از این جو بایدن اعلام کرده بود مشاوران ارشد امنیت ملی این کشور از مقامات بلندپایه ۳۰ کشور برای شرکت در جلسه مبارزه با باج‌افزارها و خطر روزافزون جرائم سایبری دعوت خواهند کرد. «الیزابت روزنبرگ»، مدیرکل مقابله با حمایت مالی تروریسم وزارت دارایی آمریکا، اخیراً در نشست کنگره به سناتوَرهای آمریکایی گفته بود «ماهیت درهم‌تنیده قدرت اقتصادی و امنیت ملی آمریکا ایجاد می‌کند که از استفاده از ابزارهای اقتصادی برای رسیدن به منافع کشور، رویکردی خلاف‌اَنه، هدفمند و دقیق داشته باشد».

مقاومت‌های جدی و جان‌دار برای حفظ موجودیت ملی در برابر قلمروگستری اردوغان دیده می‌شود اما علی‌اف در رعایای وی در برابر این توسعه‌طلبی سپر انداخته و ناندسته تسلیم نشده‌اند. اکنون ترکیه موفق شده است بی چون و چرا رخنه‌ای اساسی در «استقلال جمهوری آذربایجان» ایجاد و -این قلمرو را عملاً به بخشی از مستعلمات خود اضافه کند. همان‌گونه که هیتلر، ارتش را در ۱۹۳۸ ضمیمه آلمان نازی کرد اردوغان و علی‌اف نیز در این وادی گام بر می‌دارند. ممکن است این فرایند را محصول احساس ترس و نیاز به یک حامی خارجی فرض کرد ولی هرچه باشد، محصول ملت‌سازی ناقص و کُزفهمی در توسعه امر ملی است. اگر ملی‌گرایی در قلمرو جمهوری آذربایجان به بلوغی نیمه‌جانی می‌رسد قطعاً در قبال کمک به احیای کنترل هفت ولایت اطراف قره‌باغ از جانب ترکیه، شراکت در کنترل سراسر قلمرو به انکارا واگذار نمی‌شد. شاید یکی دیگر از دلایل ن‌دادن این کشور شد. در واقع آنها حاضر شدند برای بیرون رفت از یک تحقیر بزرگ و ۳۰ساله همه چیز حتی استقلال و آینده خود را فدا کنند زیرا هدف آنها معکوس‌کردن جریان تحقیر، این بار علیه ارمنستان بود. ن‌دادن به این وضعیت در واقع «حل بحران با بحرانی دیگر» و «درمان زخم با زخمی دیگر» است.

۸- وجه دیگر مورد قبلی صدور بحران هویت به خارج از محدوده از سوی صدر هیئت حاکمه در باکو است. تضادها و اغیار ملی در جنگ‌ها پدید می‌آید. به این ترتیب علی‌اف بحران هویت ملی، بحران فساد اقتصادی و بحران دموکراسی را در جنگ‌های بیابی و میلیتاریزه‌کردن می‌جوید. زیرا در این شرایط می‌توان حل نهایی این معضلات را به وقتی دیگر و شرایطی بهتر از اکنون در اولویت نیست موکول کرد. اسرائیل نیز از این مسئله استقبال می‌کند. زیرا خود زاینده بحران است و همواره از مرزهای سیال حمایت کرده است. چه در آفریقا، چه در خاورمیانه و چه در قفقاز جنوبی.

۹- مولانا جلال‌الدین بلخی در مکتوبات آورده است، «سخن دراز کسی گوید که آنچه مقصود اوست نتوان بر زبان آوردن». با تغییر تاریخ استقلال کشور آن هم پس از سه دهه جهانیان از خود خواهند پرسید که دلیل این سرگردانی در کوچه‌های تاریک تاریخ چیست و چرا راس حاکمیت باکو با آن همه ادعای تاریخی تازه پس از سه دهه به ریشه اصلی استقلال خود پی برده است؟ چرا حدود و رفقه ملی به طور دقیق مشخص نیست و دامنه این تغییرات و تصمیمات تاکی دوام خواهد یافت؟ کشوری که نام آن عاریتی است به دنبال تاریخ عاریتی نیز خواهد بود. مساوات‌ها در جنوب شرق قفقاز هنگامی که جعبه پاندورای دروغ را گشودند و به تحریک ترکان جوان، نامی عاریتی برای خود انتخاب کردند دروغ بزرگی را بر زبان آوردند که برای نسل‌های بعدی در میراث ماند و آنها نیز در ادامه برای افشانشدن دروغ بزرگ از سوی قوه مؤسس اولیه مجبور به برساختن ده‌ها دروغ تاریخی دیگر شدند. اکنون با رجعت به زمانه ماجراجویی‌های رسول‌زاده، صفحه‌ای دیگر از دفتر اغراض قدیمی احیا شده است و هر روز جغرافیایی تازه بر قلمرو مفروض اضافه می‌شود.

۱۰- پیامد دیگر این انتخاب تاریخی که سایه‌ای منفی بر سویه‌های آن اضافه می‌کند سلب اعتبار سرزمینی یک کشور است. زیرا کشوری که هم بر نام آن مناقشه می‌رود هم بر تاریخ استقلال و هم بر حدود قلمرو سرزمینی‌اش هنوز فاقد قوه مؤسس عاقله و اعتبار سیاسی است و جهانیان انتظار دارند که رهبران آن هر روز با یک ادعای جدید علیه همسایگان در مقابل دوربین حاضر شوند.

خبر

اوج‌گیری تنش میان لهستان و اتحادیه اروپا

● سخترانی رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا و نخست‌وزیر لهستان در نشست نمایندگان پارلمان اروپا درباره بحران حاصل از عدم تطابق قوانین مورد حمایت و روش‌و با اصول بنیادین اتحادیه اروپا، با تهدیدهای دو طرف علیه یکدیگر همراه شد. «ماتئوش موراویتسکی»، نخست‌وزیر لهستان، در سخنرانی خود در پارلمان اروپا با انتقاد از تمرکزگرایی اتحادیه اروپا، آن را متهم کرد که هم‌زمان با افزایش اختلاف میان وروش و بروکسل بر سر حاکمیت قانون، از صلاحیت‌های قانونی خود فراتر رفته است. موراویتسکی که در نشست بررسی اختلاف‌های قانونی لهستان و اتحادیه اروپا در استراسبورگ سخن می‌گفت، تصریح کرد که وروش‌و با وجود حفظ پایبندی خود به معاهدات اتحادیه اروپا و خوش‌بینی نسبت به برگزاری گفت‌وگوهای سازنده میان دو طرف، مرعوب تهدیدهای بروکسل نخواهد شد. نخست‌وزیر لهستان در واکنش به اظهارات رئیس کمیسیون اروپا که پیش از سخنرانی او عنوان شده بود، از اتحادیه اروپا خواست «زبان تهدید» و «سیاه‌نمایی درباره لهستان» را کنار بگذارد. او همچنین مواجهه بروکسل با وروش‌و را فاقد صداقت لازم عنوان و آن را نوعی «باج‌گیری سیاسی» توصیف کرد که باید هرچه‌سریع‌تر متوقف شود. بروکسل مدت‌هاست که تأکید دارد اصلاحات انجام‌شده از طرف دولت راست‌گرای لهستان، استقلال قوه قضائیه این کشور را زیر سؤال برده است؛ اما اختلاف میان اتحادیه اروپا و لهستان با صدور حکم دادگاه قانون اساسی این کشور مبنی بر ناسازگاری بخشی از معاهدات اروپایی با قانون اساسی لهستان با به چالش کشیدن اصل اساسی ادغام در اتحادیه اروپا، افزایش یافته و تحقق اهداف اتحادیه ازجمله برقراری حاکمیت قانون، استقلال قوه قضائیه و تضمین حقوق دگرباشان جنسی در تمامی کشورهای عضو را با مانع جدی مواجه کرده است.

بر همین اساس، اروسلاف فن در لاین، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا، پیش از سخنرانی نخست‌وزیر لهستان با ابراز نگرانی شدید اتحادیه نسبت به صدور حکم دادگاه قانون اساسی لهستان گفت: «این حکم بنیان‌های اتحادیه اروپا را زیر سال می‌برد و یک چالش جدی برای نظم حقوقی متحد در اروپاست». فن در لاین با تأکید بر عدم استقلال دادگاه قانون اساسی لهستان، اطمینان داد کمیسیون اروپا از سه طریق ممکن با این حکم مقابله خواهد کرد. او توضیح داد که نخست بروکسل این حکم را به چالش حقوقی خواهد کشید تا زمینه نقض آن فراهم شود و سپس از گزینه ابزارهای مالی به‌منظور محروم‌کردن لهستان از منابع بودجه اتحادیه اروپا و صندوق احیای اقتصادی دوره پسا‌کرونا استفاده خواهد شد. رئیس کمیسیون اروپا تصریح کرد که منابع مالی اتحادیه اروپا از محل مالیات شهروندان این اتحادیه با هدف تسهیل سرمایه‌گذاری‌های مشترک تأمین می‌شود و ما ناگزیریم از صرف آن در جهت نقض حاکمیت قانون جلوگیری کنیم. خانم فن در لاین همچنین خاطرنشان کرد گزینه سومی که پیش‌روی بروکسل است، اعمال ماده ۷ معاهدات اتحادیه اروپاست که بر اساس آن، حقوق کشورهای عضو ازجمله حق رأی آنها در تصمیم‌گیری‌های اتحادیه اروپا، به دلیل نقض ارزش‌های بنیادین اتحادیه قابل تعلیق است. افزایش اختلاف میان لهستان و اتحادیه اروپا در شرایطی است که تازه‌ترین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد مردم این کشور خواهان ادامه حضور در اتحادیه اروپا هستند. برخی ناظران سیاست داخلی لهستان بر این باورند که با قرارگرفتن ائتلاف حاکم بر لهستان در خطر فروپاشی، نبرد با اتحادیه اروپا نیز می‌تواند صرفاً اهداف سیاسی داخلی را دنبال کند و اظهارات ضد اتحادیه اروپا می‌تواند یک آزمایش برای سنجش میزان حمایت عمومی از سطح درگیری دولت و حزب حاکم با اتحادیه اروپا باشد.

اختلاف روسیه و ناتو بالا می‌گیرد

● وزیر خارجه روسیه اعلام کرد این کشور فعالیت دفتر نمایندگی خود در ناتو را متوقف و دفتر نمایندگی ناتو در مسکو را تعطیل می‌کند. سرگئی لاوروف در یک نشست خبری گفت: «ما فعالیت دفتر نمایندگی خود در ناتو از جمله فعالیت نمایندگان نظامی را از روز اول نوامبر (هفتم آبان) متوقف خواهیم کرد، البته ممکن است چند روزی دیرتر نهایی شود». وزیر خارجه روسیه افزود: هم‌زمان با این اقدام دفتر نمایندگی ناتو در مسکو که از سال ۲۰۰۲ در سفارت بلژیک دایر شد و همچنین دفتر روابطعمومی ناتو در پایتخت روسیه به تعطیل کشان شد. دفتر روابطعمومی ناتو در سال ۲۰۰۱ و با هدف بهبود مناسبات بین این پیمان و روسیه در مسکو دایر شد. لاوروف گفت این اقدام واکنشی به لغو اعتبارنامه و اخراج هشت نفر از کارکنان دفتر نمایندگی روسیه در ناتو است. در نتیجه این تصمیم ناتو، تعداد اعضای دفتر نمایندگی روسیه به نصف کاهش یافت. او افزود: «در نتیجه اقدام عامدانه ناتو، ما در عمل از حداقل امکانات لازم برای پیشبرد فعالیت دیپلماتیک خود محروم شده‌ایم. در موارد اضطراری ناتو می‌تواند به سفیر روسیه در بلژیک مراجعه کند». بحران اخیر در مناسبات ناتو و روسیه حدود دو هفته پیش و در پی لغو اعتبارنامه دیپلماتیک هشت نفر از اعضای دفتر نمایندگی روسیه در ناتو آغاز شد. ناتو اعلام کرد این هشت نفر «مأموران امنیتی روسیه» هستند. در پی الحاق ناحیه کریمه به خاک روسیه در سال ۲۰۱۴، ناتو همکاری‌های عملی با مسکو را متوقف کرد، اما برای حفظ تماس‌های دیپلماتیک در سطوح ارشد و همکاری‌های نظامی بین دو طرف، دفتر روسیه در ناتو را تعطیل نکرده بود.